معرفت
سال سی‌ام، شماره دوم، پیاپی ۲۸۱، اردیبهشت ۱۴۰۰، ص ۳۵ـ۴۳

نوع مقاله: ترویجی

موضوع‌شناسی فقهی صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی
و مسائل فقهی مرتبط با آن[1]

مهدی خطیبی / استادیار گروه اقتصاد مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی‌ره
m.khatibi@iki.ac.ir
دریافت: ۹۹/۰۷/۱۷ **پذیرش:** ۱۴۰۰/۰۱/۲۳

چکیده

صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی شیوه‌ای جدید در قرض دادن و قرض گرفتن است که از سوی بسیاری از خانوارهای ایرانی مورد استقبال واقع شده است. در این شیوه از قرض، عده‌ای توافق می‌کنند ماهیانه مبلغی را به یک نفر که مدیر صندوق است، تحویل دهند؛ او نیز با انجام قرعه‌کشی، کل مبلغ را به یکی از اعضاء به‌عنوان وام (قرض) پرداخت می‌کند؛ این عملیات هر ماه تکرار می‌شود تا تمامی اعضاء بتوانند وام دریافت کنند. نتایج تحقیق حاضر که به روش تحلیلی ـ توصیفی انجام شده، نشان می‌دهد این شیوه قرض دادن به لحاظ فقهی صحیح است و شبهه ربا در آن وجود ندارد؛ البته شرط اختصاص اولین وام به مدیر صندوق به‌مثابهٔ نوعی اجرت در ازای خدمات مدیریتی اوست. این شرط، اولین وام را که به وی تعلق گرفته، ربوی می‌کند. در این تحقیق مسئله الزام اعضاء بر حفظ همکاری با صندوق به بحث گذاشته شده و کیفیت تعلق خمس به مبالغ پرداختی در صورت سررسید سال خمسی نیز تفصیلاً بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: صندوق قرض‌الحسنه خانگی، قرض، قرض‌الحسنه، قرض به شرط قرض، ربای قرضی.

[1]. این تحقیق با حمایت معاونت پژوهش حوزه علمیه قم انجام شده است.

مقدمه

صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی شیوه‌ای جدید از قرض دادن و قرض گرفتن است که طی دو دهه اخیر در جامعه ایران بسیار رایج شده است. این شیوه جدید قرض به دلیل مزایایی از قبیل عدم نیاز به سپرده‌گذاری بلندمدت، عدم نیاز به ضمانت سنگین، سرعت تجهیز و تخصیص منابع و مواردی از این قبیل، مورد استقبال بسیاری از افراد جامعه واقع شده است. اما ازآنجاکه مسئلهٔ قرض همیشه در معرض یک گناه بزرگ یعنی ربا قرار دارد و این گناه نه‌تنها در بین متشرعین، بلکه در بین اقشاری که ظاهراً تقید کمتری به مسائل شرعی دارند، از قبح قابل‌توجهی برخوردار است؛ لذا بسیاری از افراد متشرع خواهان کسب اطمینان از جواز شرعی این شیوه از قرض دادن و قرض گرفتن هستند. به صورت اختصاصی نیز شبهه‌ای در این‌باره مطرح است، مبنی بر اینکه گویا در این صندوق‌ها قرض به شرط قرض داده می‌شود؛ یعنی هریک از افراد قرض می‌دهند تا در آینده قرض بگیرند؛ و چنین شیوه‌ای براساس دیدگاه مشهور فقها که ربای حکمی را حرام می‌دانند، مصداق ربا است. همچنین وام دریافتی از این صندوق‌ها، قرض خالص نیست؛ بلکه به تعداد اقساطی که پرداخت شده، حکم پس‌انداز را دارد و به ازای اقساط باقی‌مانده، قرض محسوب می‌شود؛ لذا در صورت برخورد به سال خمسی به لحاظ تعلق خمس نیز نیاز به موضوع‌شناسی دارد. نوآوری تحقیق حاضر آن است که علاوه بر تحلیل ماهیت فقهی صندوق‌های قرض‌الحسنه، به برخی مسائل فقهی مرتبط با آن، از جمله خمس و مسائل مرتبط با فوت یکی از اعضاء اشاره کرده است.

پرسش اصلی که تحقیق حاضر قرار است بدان پاسخ دهد عبارت است از اینکه: صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی به لحاظ فقهی چه ماهیتی دارند؟ و چه مسائلی فقهی مرتبط با آن پدیده آمده است؟ برای پاسخ به این پرسش باید به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

ـ صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی چگونه تشکیل شده و با چه فرایندی وام می‌دهند؟

ـ جایگاه این مسئله در فقه چیست؟

ـ صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی چه ارتباطی با سایر ابواب فقهی، مانند خمس دارند؟

ـ شبهه ربا در فرایند اعطای وام در این صندوق‌ها چگونه قابل دفع است؟

ـ اگر صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی شخصیت حقوقی داشته باشند، تحلیل شبهه ربا چگونه خواهد بود؟

ـ کسی که وام این صندوق را در اثناء مدت و بعد از سال خمسی دریافت می‌کند، در محاسبه خمس چگونه باید عمل کند؟

سیدمحمدتقی علوی قرض‌الحسنه‌های خانگی را مورد بررسی موضوع‌شناسانه قرار داده است. این تحقیق برای مؤسسه موضوع‌شناسی احکام فقهی انجام شده و تاکنون به صورت رسمی منتشر نشده است. فقط چکیده آن در پایگاه اینترنتی مؤسسه موضوع‌شناسی احکام منتشر شده است. در این تحقیق سه صورت از صورت‌های قرض‌الحسنه خانگی مورد بررسی قرار گرفته است. صورت نخست آنکه پیش از انجام قرعه‌کشی مبلغ از ملک هیچ عضوی خارج نشده و بعد از قرعه‌کشی صاحب قرعه مالک مبلغ جمع‌آوری‌شده می‌گردد و در بازپرداخت نیز همان مبلغ را بدون زیاده بازمی‌گرداند. براساس استفتاء به‌عمل‌آمده، این صورت به لحاظ فقهی اشکالی ندارد و شرط بازپرداخت بدهی به صورت ماهیانه به کسی که قرعه به نام وی درآمده، نیز اشکالی ایجاد نمی‌کند؛ چراکه اشتراط نحوهٔ ادای دین در قرض جایز است. صورت دوم آن است که نفرات اول باید بیش از مبلغی که دریافت کرده‌اند، بازپرداخت کنند. این صورت به لحاظ فقهی دچار مشکل ربا است. صورت سوم آنکه صندوق قرض‌الحسنه خانگی شکل یک شخصیت حقوقی به خود بگیرد و افراد هر ماه به صندوق قرض دهند و صندوق نیز هر ماه به یک نفر از اعضا قرض بدهد. این صورت گرفتار اشکال قرض به شرط قرض است و طبق فتوای برخی فقها اشکال دارد. اما برخی دیگر آن را بدون اشکال می‌دانند.

بجز منبع فوق به دلیل نوپدید بودن این صندوق‌ها، هیچ منبع مکتوبی که به لحاظ علمی قابل استناد باشد، برای معرفی آنها یافت نشد و اطلاعات لازم راجع به این صندوق‌ها از طریق مصاحبه با برخی از اعضای این صندوق‌ها گردآوری شده است.

۱. مفاهیم

۱ـ۱. قرض

قرض در لغت به معنای بریدن است؛ و به مالی که انسان به دیگری می‌دهد تا در آینده مثل آن را برگرداند، قرض گفته می‌شود، چون گویا مالکیت خود را از آن قطع می‌کند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص۷۱).

۲ـ۱. قرض‌الحسنه

ترکیب دو کلمهٔ «قرض» و «الحسنه» بدین صورت غلط مشهور است و صورت صحیح آن، «قرض حسن» است که در قرآن (بقره: ۲۴۵؛ مائده: ۱۲؛ حدید: ۱۱و۱۸؛ تغابن: ۱۷) به معنای انفاق و نه به‌معنای قرض، به‌کار رفته است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج۲، ص۲۸۴؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج۲، ص۲۲۴). این ترکیب امروزه به اصطلاحی رایج تبدیل شده و به معنای قرضی است که در آن ثواب الهی قصد شده باشد و قرض‌گیرنده نیز بدان نیاز داشته باشد. البته در لسان فقها به مطلق قرضی که مشتمل بر زیاده نباشد، قرض‌الحسنه (در مقابل قرض ربوی) اطلاق می‌شود. با توجه به مطالب فوق، اطلاق قرض‌الحسنه بر صندوق‌های مزبور خالی از مسامحه نیست.

۳ـ۱. صندوق

صندوق اگرچه در اصل به معنی جعبه‌ای است که محل نگهداری اشیاء گران‌قیمت و حتی معمولی می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷، واژه صندوق)؛ اما وقتی به قرض‌الحسنه اضافه شود به معنای منبعی است که برای مدتی به صورت متوالی به افراد خاصی قرض می‌دهد. این واژه می‌تواند در نگاه بدوی مفهوم شرکت فقهی یا شرکت حقوقی را به ذهن متبادر کند.

۲. جایگاه مسئله در فقه

بحث قرض‌الحسنه خانگی از دو جهت دارای جایگاه فقهی ویژه است: جهت اول آنکه مربوط به قرض است و در شرع مقدس سفارش فراوانی به قرض شده است؛ از سوی دیگر، ربا که یکی از بزرگ‌ترین گناهان است که در قرآن اصرار بر آن به‌منزله اعلام جنگ با خدا و رسول خدا ﷺ برشمرده شده است (بقره: ۲۷۸و۲۷۹)، در بستر قرض نیز محقق می‌شود. حتی در مورد ربای معاملی که در ظاهر ماهیتی متفاوت از ربای قرضی دارد، گفته شده حرمت آن برای جلوگیری از دور زدن ربای قرضی بوده و در حقیقت هدف از تحریم ربای معاملی ایجاد حریمی برای برای قرضی بوده است (ابن‌قیم، ۱۴۱۴ق، ج۲ ص۱۳۳). مجموع این جهات باعث شده مسئله قرض با حساسیت فراوانی هم از سوی فقها و هم از سوی مکلفین دنبال شود. قرض‌الحسنه خانگی هم از آن جهت که یکی از مصادیق قرض است، طبعاً از این حساسیت بی‌بهره نیست.

۳. ارتباط مسئله با سایر ابواب فقهی

همان‌گونه که اشاره شد، صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی یکی از مصادیق قرض است؛ بنابراین اساس مباحث آن برگرفته از ابواب قرض و دین خواهد بود. از طرفی چون در صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی هم قرض‌دهندگان حضور دارند و هم قرض‌گیرندگان، و بخشی از وامی که اعضا دریافت می‌کنند مصداق پس‌انداز است؛ لذا با مسائل ابواب خمس نیز ارتباط پیدا می‌کند. از سوی دیگر تقریباً تمامی صندوق‌ها مدیر اجرایی دارند که ممکن است در برابر زحمات خود تقاضای اجرت کند، بنابراین مسئله قرض‌الحسنه خانگی با ابواب اجاره یا جعاله نیز مرتبط خواهد بود.

۴. زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی ابداع صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی

قرض دادن و قرض گرفتن ازجمله امور اعتبارات عقلایی است که مورد امضاء شارع نیز واقع شده است. قرض راهی برای حل مشکلات کسانی است که نقدینگی کافی در دست ندارند، اما می‌توانند به مرور زمان و به صورت تدریجی آن را تأمین کنند؛ لذا تمایل دارند مبلغ موردنیاز را به صورت یکجا از داوطلب قرض دادن دریافت کنند و به تدریج و یا به صورت یکجا در پایان مدت، آن را بازگردانند. اگرچه تاریخ خاصی برای آغاز این اعتبار عقلایی تعیین نشده است؛ اما بعید نیست که سرآغاز آن به ابتدای زندگی اجتماعی و بده بستان‌های اقتصادی بازگردد. کهن‌ترین متن در ارتباط با قرض در تورات آمده و در مورد ربای قرضی است. در آیه‌ای از تورات آمده است: «زمانی که مالی را به یهودی فقیر قرض دادی، رفتار تو با او مانند رفتار طلبکار ربادهنده نباشد و از وی مطالبه ربا نکن!» (عهد عتیق، سفر خروج، باب ۲۲:۱۵، ص۱۱۹). در سرزمین حجاز به‌عنوان مهد دین اسلام نیز آنچه که از حکایت‌های تاریخی پیرامون قرض به جا مانده به نوعی مرتبط با ربا است. بعد از ظهور اسلام و تحریم ربا، و طرح قرض‌الحسنه در ادبیات اسلامی، این اعتبار عقلایی تبدیل به عبادتی الهی گردید و حتی برای آن پاداشی بیش از صدقه قرار داده شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۴، ص۱۰). اگرچه عده‌ای رباخواری را ترک نکردند و الان نیز هستند کسانی که به راحتی ربا می‌خورند؛ اما مهم آن است که رباخواری پشتوانه قانونی و شرعی ندارد و حتی به لحاظ قوانین کیفری جرم محسوب می‌شود.

همین مسئله باعث کنترل نسبی قرض ربوی و گسترش قرض‌الحسنه در بین مسلمانان شده است.

تا پیش از شکل‌گیری بانک‌داری مدرن، معمولاً قرض دادن و قرض گرفتن امری شخصی بوده و مستقیم بین مقرض و متقرض صورت می‌گرفت؛ اما طی قرن اخیر بانک‌ها به‌عنوان شخصیت حقوقی وارد این عرصه شدند و به نیابت از سپرده‌گذاران اقدام به پرداخت قرض کردند که البته در بسیاری از کشورها مقداری اضافه نیز از قرض‌گیرنده دریافت می‌کنند؛ شاید ساده‌ترین توجیه برای دریافت این مازاد، این بود که بخشی از آن، بین سپرده‌گذاران توزیع شود، تا انگیزه کافی برای سپرده‌گذاری داشته باشند و بخشی دیگر برای پوشش دادن هزینه‌های بانک و همچنین درآمدی که بانک‌داری را به‌عنوان یک فعالیت اقتصادی توجیه کند. در ایران این مسئله (دریافت مازاد بر اصل قرض) بعد از انقلاب به دلیل حرمت ربا مورد بازبینی قرار گرفت و طبق قانون بانک‌داری بدون ربا، گرفتن مازاد بر اصل در قرض ممنوع گردید. البته دریافت کارمزد برای قرض به‌عنوان راهی برای تأمین هزینه‌های واسطه‌گری بانک در پذیرش سپرده‌ها و قرض دادن به متقاضیان مورد پذیرش واقع شد. متأسفانه به دلیل بدحسابی عده‌ای از قرض‌گیرندگان در بازپرداخت وام‌ها مشکلات عدیده‌ای برای بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه ایجاد گردید و باعث شد آنها شرایط سخت‌گیرانه‌تری برای پرداخت وام قرار دهند و با گرفتن تضمین کافی نسبت به بازپرداخت قرض اطمینان حاصل کنند. این مسئله اگرچه تدبیری برای حل یک مشکل بود، اما مشکلاتی را برای متقاضیان قرض ایجاد کرد. بخش قابل‌توجهی از افراد جامعه با اینکه توان بازپرداخت قرض را داشتند؛ اما نمی‌توانستند ضمانت‌های مورد قبول بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه را تأمین کنند. همین امر باعث شکل‌گیری روش جدیدی در قرض گردید؛ روشی که نه مانند قرض‌های سنتی یک مقرض و یک مقترض داشته باشد، و نه مانند روش‌های مدرن یک طرف آن شخصیتی حقوقی مثل بانک یا مؤسسات مالی باشد. در این روش جدید عده‌ای متقاضیان وام قرض‌الحسنه گردهم آمده و مبلغی را که با هم توافق کرده‌اند، جمع می‌کنند و براساس قرعه‌کشی به یکی از اعضا می‌پردازند. هر ماه این کار تکرار می‌شود تا تمامی اعضا بتوانند از صندوق وام دریافت کنند؛ و بعد از دریافت آخرین وام توسط نفر آخر، خود به خود صندوق منحل می‌شود. از مهم‌ترین مزایای این شیوه از قرض دادن و قرض گرفتن آن است که نیازی به ضمانت‌های سنگینی که مورد تقاضای بانک‌ها بود ندارد و بدون کارمزد و زود بازده است.

۵. تحلیل ماهیت توافق اولیه برای تشکیل صندوق

در این صندوق عده‌ای از افراد فامیل، دوستان، همکاران و یا همسایگان گردهم آمده و توافق می‌کنند هر ماه مبلغی را به مدیر صندوق تحویل دهند تا بعد از انجام قرعه‌کشی به یکی از افراد عضو واگذار کند. این توافق جزء عقود متعارف و متداول در عصر شارع نیست و یک عقد مستقل و لازم، همچون بیع یا اجاره به حساب نمی‌آید. ممکن است گفته شود این توافق در حقیقت شرطی ضمن عقد قرض است و عقد قرض نیز از عقود متعارف زمان شارع می‌باشد؛ اما باید توجه داشت این توافق زمانی‌که شکل می‌گیرد تا براساس آن عمل شود، هنوز قرضی رد و بدل نشده و عقد قرضی انشاء نشده است. حتی اگر این توافق به نوعی به عقد قرض مرتبط شود، باز هم شرط لازم نخواهد بود؛ چون مشهور فقها عقد قرض را جایز می‌دانند، و حتی بر آن ادعای اجماع نیز شده است (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج۲۰، ص۱۳۰). حتی اگر فقیهی قائل به صحت و لزوم عقود مستحدثه باشد، باز هم نمی‌توان قاطعانه این توافق را یک عقد مستحدث برشمرد. این توافق بیش از آنکه شبیه عقد باشد، شبیه مواعده است. وعده و مواعده در حقیقت همان شرط ابتدایی است و بین فقها در وجوب عمل به شرط ابتدایی اختلاف‌نظر وجود دارد. *شیخ انصاری* در این‌باره می‌گوید: «إنّ الظاهر إطباق کلمات من عدا قلیل من متأخری المتأخرین علی عدم الوجوب [الوفا بالوعد] کما یظهر من اتّفاقهم علی عدم وجوب الوفاء بالشرط الغیر المشترط فی عقد لازم» (انصاری، ۱۴۱۵ق ـ الف، ص۳۰۹). جمعی از متأخرین نیز همین دیدگاه را دارند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۱؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج۳، ص۱۴۷؛ حکیم، ۱۴۱۶ق، ج۱۲، ص ۲۶۹؛ موسوی خوئی، بی‌تا، ج۲، ص ۴۴۵؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳ق، ص۱۳۸؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۴ق، ص ۵۷۱؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۴۲۴ق، ج۲، ص۷۷).

در مقابل، عده‌ای عمل به شروط ابتدائی را لازم می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج۳، ص ۲۱ـ۲۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج۲۰؛ ص۹۹؛ ج ۲۱، ص ۱۲۸و۱۶۵؛ ابن‌براج، ۱۴۱۱ق، ص ۵۴؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۸۱؛ سبزواری، بی‌تا، ج۲، ص ۱۷۱؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳ق، ج۳، ص۲۸۸؛ نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۳۳ و ۱۴۲ـــ۱۴۳؛ شهیدی،

۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۰۰و۱۰۱؛ اصـفهانی، ۱۴۱۹ق، ج۲ ص۱۰و۱۱۷)؛ این عده به روایت «المؤمنون عند شروطهم» (طوسـی، ۱۳۹۰ق، ج۳، ح ۴، ص ۲۳۲) استناد کرده و معتقدند شرط به معنای مطلـق الـزام و التزام است؛ *سید یزدی* می‌گویـد: «الحـقّ أنّ الشّـرط بمعنـی مطلـق الالزام و الالتزام فیشمل الشّروط البدویـة» (اصـفهانی، ۱۴۱۹ق، ج۲، ص۱۰و۱۱۷). بنابراین عقود نیز مصداق شرط ابتـدایی خواهنـد بـود؛ چراکه عقود نیز به نوعی الزام و التزام هستند.

امام خمینی﵀ اگرچه اطلاق لفظ شرط را بر شروط ابتدایی صـحیح نمی‌داند؛ اما راه دیگری را برای اثبات وجوب عمل بـه شـروط ابتـدایی مطرح می‌کند. ایشان می‌گویـد: «لایبعـد إلغـاء الخصوصـیّة عرفـاً مـن الشروط الضمنیّة إلی الابتدائیة، بل إلی مطلق القـرار و الجعـل بمناسـبة الحکم و الموضوع، بأن یقال: إنّ العرف یفهمون من قوله﵀ «المؤمنـون عند شروطهم» أنّ ما یکون المؤمن ملزماً به هو جعله و قراره، مـن غیـر دخالة عنوان الشرط فیه، فالضمنیّة و الابتدائیّة و الشـرط و سـائر عهـوده علی السواء فی ذلک، فتأمّل» (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص۱۴۱).

به هر حال اگـر در صـندوق‌هـای قـرض‌الحسـنه خـانگی لـزوم پایبندی به توافق اولیه اثبات نشود؛ همراهـی بـا برنامـه صـندوق در طول مدت توافق شده امری اختیاری خواهد بـود و هریـک از اعضـا، پیش از دریافت وام می‌توانند به صورت یک‌جانبـه و بـدون تحصـیل رضایت بقیه از ادامه همکاری انصراف دهند. البته برای اعضـایی کـه موفق به دریافت وام شده‌اند، امکان انصراف وجود ندارد؛ چون اقسـاط ماهیانه بعدی در حقیقت بازپرداخت قرض است و چـون شـرط شـده که به صورت ماهیانه بازگردانده شود، لذا تخلـف از آن جـایز نیسـت؛ مگر آنکه قـرض‌گیرنـده معسـر (یعنـی نـاتوان از بازپرداخـت) باشـد. بنابراین در رابطه بـا صـندوق‌هـای قـرض‌الحسـنه خـانگی یکـی از مسائلی که به لحاظ فقهی باید روشن شود، همین مسئله است؛ یعنی پس از حصول توافق اولیه، آیا همکاری با صندوق تا پایان دوره برای کسانی که هنوز وام دریافت نکرده‌اند، لازم اسـت؟ ایـن مسـئله از آن جهت مهم است که مدیران صندوق با اتخاذ تدابیری (که در مباحـث آتی اشاره خواهد شد) اعضای صندوق را ملزم به ادامـه همکـاری بـا صندوق می‌کنند. اگر این توافق الزام‌آور نباشد، طبیعتاً الـزام اعضـا بـه همکاری وجه شرعی نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد ازآنجاکه این مسـئله اختلافـی اسـت، هریـک از اعضا باید به فتوای مرجع تقلید خود عمل کنند و هیچ‌یک نمـی‌توانـد عضو دیگر را مجبور به حضور تا آخر کار کند.

۶. فرایند وام دادن در صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی

همان‌گونه که اشاره شد، تجهیز منابع در این صندوق‌ها صرفاً متکـی به اعضای صندوق است. هـر عضـو موظـف اسـت براسـاس توافـق صورت گرفته هر مـاه مبلغـی را بـه مـدیر اجرایـی تحویـل دهـد تـا براساس قرعه‌کشی صورت گرفته بـه یکـی از اعضـا تحویـل شـود. دریافت‌کننده وام نیز موظف است از مـاه آتـی بـه انـدازه مبلغـی کـه ماهیانه پراخت می‌کرد، به‌عنوان بازپرداخت وام به صـندوق برگردانـد. این کار تا دریافت وام توسط آخرین نفر ادامه پیدا می‌کند و بعـد از آن صندوق به فعالیت خود ادامه نمی‌دهد و به اصطلاح منحل می‌شـود، و تشکیل صندوق جدید متوقف بر حصول توافـق جدیـد بـین اعضـا است. البته باید توجه شود که صندوق قـرض‌الحسـنه خـانگی الزامـاً دارای شخصیت حقوقی نیست؛ بلکه اعضای صندوق مالکان حقیقـی وجوه جمع‌آوری شده هستند و مـدیر بـه وکالـت از آنهـا نسـبت بـه قرعه‌کشی و تحویل مبالغ جمع‌آوری شده به کسی که قرعه بـه نـام وی درآمده، اقدام می‌کند. البته تحت شرایطی صندوق می‌تواند یـک شخصیت حقوقی مستقل ورای اعضـای صـندوق داشـته باشـد و در مباحث آتی راجع به شخصیت حقوقی صندوق بحث خواهیم کرد.

۷. شبهه ربا در قرض‌الحسنه خانگی

ممکـن اسـت در نگـاه اولیـه تصـور شـود فراینـد پرداخـت وام در صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی مشتمل بر ربا است؛ بدین بیان کـه هریک از اعضا قرض می‌دهنـد تـا در آینـده قـرض دریافـت کننـد. بنابراین گویا قرض به شرط قرض صورت می‌گیـرد و یـا لااقـل بـه صورت ارتکازی چنین شرطی بین آنها برقرار است.

اما تحلیل دقیق فرایند قرض در این صندوق‌هـا ربـوی بـودن را تأیید نمی‌کند. توضیح آنکه وقتی اعضا با هم توافق می‌کنند کـه هـر ماه مبلغی را به مدیر صندوق تحویـل دهنـد تـا وی براسـاس قرعـه کشی به یکی از اعضا وام دهد؛ حتی اگر انگیزه افراد آن باشد که این ملبغ را پرداخت می‌کنم تا بتوانم وام دریافت کـنم، خللـی بـه توافـق نمی‌رساند؛ چون هنوز قرضی اتفاق نیفتـاده تـا شـرط ضـمن قـرض باشد؛ بعد از انجام قرعه‌کشی و تعیین عضو دریافت‌کنندهٔ وام، قـرض اتفاق می‌افتد و به صورت صریح یا ارتکازی این شرط در ضمن عقـد

قرض وجود دارد که قرض‌گیرنده موظف است هر ماه به اندازه اقساطی که دیگران می‌پردازند، به مدیر پرداخت کند. اما این شرط مشکلی ایجاد نمی‌کند چون این شرط مربوط به ادای دین است و به اجماع فقها اشتراط کیفیت ادای دین در متن عقد (به‌صورت یکجا و در تاریخ معین یا به صورت اقساط در تاریخ‌های متعدد) جایز است. بقیه اعضا نیز هنوز قرضی دریافت نکرده‌اند تا شرط ضمن قرض نسبت به آنها صدق کند. تنها در یک صورت شبهه ربا محقق است؛ و آن اینکه صندوق شخصیت حقوقی و مستقل داشته باشد، و مبالغ جمع‌آوری‌شده نیز در قالب سپرده‌گذاری از افراد دریافت شود (نظیر آنچه که در بانک‌ها و مؤسسات قرض‌الحسنه اتفاق می‌افتد)؛ در این صورت مبالغ جمع‌آوری‌شده در حقیقت قرض به صندوق محسوب شود که بعد از قرعه‌کشی به یکی از اعضا قرض داده می‌شود. در صورت فرض شخصیت حقوقی برای صندوق، چنانچه جمع‌آوری مبالغ تحت عنوان سپرده صورت پذیرد، واقعیت فرایند قرض چنین است که اعضا به صورت ماهیانه به صندوق قرض می‌دهند به شرط (ارتکازی) آنکه بتوانند از صندوق قرض بگیرند که گرفتار مشکل قرض به شرط قرض است. اما اگر صندوق وکیل افراد و اعضا باشد تا اقساط جمع‌آوری‌شده را به کسی که قرعه به نام وی درآمده، تحویل دهد؛ در این صورت نیز اشکالی متوجه عملکرد صندوق نخواهد بود؛ تحقق این فرض (وکالت در تجهیز منابع و تخصیص آن) در بانک‌ها و مؤسساتی که فعالیت‌های گوناگون دارند، بسیار دشوار است؛ چراکه بانک انواع منابع مالی را وصول می‌کند و تفکیک فیزیکی آنها از یکدیگر بسیار هزینه‌بر و وقت‌گیر است.

۸. اجرت مدیر اجرایی صندوق

در این صندوق‌ها معمولاً یک نفر به‌عنوان مدیر اجرایی صندوق امور مربوط به جمع‌آوری اقساط ماهیانه و دریافت ضمانت از اعضایی که وام دریافت کرده‌اند را به عهده می‌گیرد. ممکن است مدیر، عضو صندوق و متقاضی وام نباشد و بخواهد در مقابل مدیریت خود اجرتی دریافت کند. اما معمولاً یکی از اعضای صندوق، مدیریت صندوق را بر عهده گرفته و طبق توافق اعضا، بدون قرعه‌کشی اولین نفری خواهد بود که وام را دریافت می‌کند. در حقیقت دریافت نخستین وام اجرت زحمات وی در قبال مدیریت صندوق محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد اختصاص نخستین وام به مدیر، اگر به صورت شرط در ضمن عقد قرض (اولین وام) باشد، به این بیان که مبلغ جمع‌آوری‌شده در ماه اول بدون قرعه‌کشی به مدیر قرض داده می‌شود، به شرط آنکه صندوق را اداره کند؛ در این صورت قرض دادن سایر اعضا به مدیر مشروط بر انجام عملی از سوی وی است که به لحاظ مالی ارزش دارد (یعنی مدیریت اجرایی صندوق). بنابراین قرض به شرط زیادی حکمی محسوب می‌شود. اما اگر در متن قرارداد اولین وام مدیریت اجرایی مدیر به‌عنوان شرط ذکر نشود؛ بلکه صرفاً شرط مبنی علیه‌العقد باشد؛ در این صورت بستگی به این دارد که فقیه شرط مبنی علیه‌العقد را مثل شرط مذکور در عقد نافذ می‌داند یا نه؟ این مسئله اختلافی است (انصاری، ۱۴۱۵ق ـ ب، ج۶، ص ۵۵) و هریک از اعضا باید به فتوای مرجع تقلید خود عمل کند.

لازم به ذکر است این قرارداد را نمی‌توان به اجاره به شرط قرض بازگرداند؛ چون هیچ مبلغی به‌عنوان اجرت تعیین نشده، لذا اجاره باطل است. اگر برای مدیر اجرتی در نظر گرفته شود، در ضمن عقد اجاره شرط شود که نخستین وام به وی اختصاص یابد، در این صورت مصداق اجاره به شرط قرض خواهد بود و بسیاری از فقهای معاصر آن را جایز دانسته‌اند.

۹. تضمین‌های اجرایی

مبالغ پرداختی توسط اعضا بعد از ماهی که وام را دریافت کرده‌اند، در حقیقت بازپرداخت وام محسوب می‌شود و قرض نیست. معمولاً مدیر صندوق برای حصول اطمینان از بازپرداخت وام، به‌عنوان ضمانت بازپرداخت، چک یا سفته‌ای معادل مبلغ باقی‌ماندهٔ وام از دریافت‌کننده اخذ می‌کند. همچنین برای حصول اطمینان از ادامه همکاری اعضا تا آخر دوره، مدیر صندوق از قبول انصراف اعضا امتناع می‌ورزد و اقساط پرداختی توسط هر عضو را ضمانت ادامه همکاری قرار می‌دهد. بدین معنا که اگر عضوی از اعضا پیش از دریافت وام از ادامه همکاری با صندوق منصرف شود، و جایگزین معرفی نکند، مبالغی را که تا آن زمان پرداخت کرده تا پایان دوره به وی بازگردانده نمی‌شود. این تضمین برای الزام افراد به ادامه همکاری با صندوق ممکن است در توافق اولیه به صورت شرط صریح یا ارتکازی آمده باشد و یا اصلاً مورد توجه اعضا نبوده باشد؛ طبیعتاً در صورت اخیر مدیر حق چنین تحکمی را ندارد و در صورت انصراف یکی از اعضا و درخواست وی مبنی بر عودت مبالغ پرداخت

شده، در اولین ماهی که مبالغ جمع‌آوری می‌شود باید قرض وی برگردانده شود. بدین صورت که کسانی که تا آن ماه وام دریافت کرده‌اند، هرکدام یک قسط به فرد منصرف بدهکار هستند و او خواستار بازپس‌گیری مبالغی است که تاکنون قرض داده است. در متن قرض نیز زمان خاصی برای بازپس‌گیری آن تعیین نشده است، لذا به محض درخواست قرض‌دهنده، بدهی حال شده و بازپرداخت آن واجب می‌شود. حتی برخی از فقها معتقدند قرض اگر هم مؤجل باشد، بر قرض‌دهنده پایبندی به آن واجب نیست و می‌تواند زودتر قرض خود را مطالبه کند. بنابراین هریک از اعضا باید از مرجع خود استفتاء کند که اگر یکی از اعضای صندوق قبل از دریافت وام از ادامه همکاری با صندوق منصرف شود، آیا مدیر صندوق می‌تواند بازپرداخت مبالغی را که تا کنون پرداخت کرده، تا آخرین ماه قرعه‌کشی به تعویق بیندازد یا واجب است که در اولین ماه بعد از انصراف ابتدا طلب وی را تسویه کند؟

۱۰. بررسی شکل‌گیری شخصیت حقوقی برای صندوق

پذیرش شخصیت حقوقی برای شرکت ورای شخصیت حقیقی صاحبان شرکت مسئله‌ای نوظهور است؛ اگرچه نمونه‌هایی از آن در باب مالکیت زکات و بیت‌المال از سابق بوده است. قائل شدن به شکل‌گیری شخصیت حقوقی برای شرکت، لوازمی دارد که در فقه و حقوق مورد بحث واقع شده است. از جمله آنکه شرکت اعتبارشده، خود مالک اموال خواهد بود و بدهکاری و بستانکاری شرکت ربطی به اموال شخصی سهام‌داران ندارد و اگر شرکت ورشکست شود، لازم نیست اعضای شرکت از اموال شخصی خود بدهی و دیون شرط را ادا کنند.

اگر صندوق قرض‌الحسنه خانگی شکل حقوقی به خود بگیرد، احکام خاصی بر آن مترتب می‌شود؛ مثلاً پولی که ماهیانه جمع‌آوری می‌شود از ملک افراد خارج شده و به ملک صندوق درمی‌آید و پس از قرعه‌کشی توسط مدیر صندوق (مدیرعامل شرکت) به شخصی که قرعه به نام وی درآمده، تحویل داده می‌شود. بنابراین هریک از اعضا به صندوق قرض می‌دهند تا در آینده از صندوق قرض بگیرند. این شرط ضمن عقد، قرض اضافهٔ حکمی محسوب می‌شود و شرعاً قرض را ربوی می‌کند.

البته این تحلیل نیز دور از ذهن نیست که به‌رغم تصور شخصیت حقوقی برای صندوق، هریک از اعضا، اقساط ماهیانه را به امانت به صندوق بپردازند و صندوق به وکالت از آنها کار قرعه‌کشی را توسط مدیر عامل انجام می‌دهد. در این صورت تا پیش از تحویل پول، به کسی که قرعه به نام وی درآمده، قرضی شکل نگرفته تا مصداق شرط ضمن عقد باشد.

ممکن است گفته شود شکل‌گیری شخصیت حقوقی برای صندوق صرفاً با بناء اعضای صندوق به شکل‌گیری آن حاصل نمی‌شود و حصول شخصیت حقوقی منوط به طی مراحل قانونی و اخذ مجوزهای لازم است (امامی، بی‌تا، ج۲، ص۱۴۰)؛ بنابراین هریک از اعضا باید در این زمینه به فتوای مرجع خود رجوع کند، که آیا شکل‌گیری شخصیت حقوقی به صرف بناء اعضای صندوق حاصل می‌شود، یا نیاز به طی مراحل قانونی دارد؟

۱۱. خمس اقساط پرداخت‌شده

صندوق‌های قرض‌الحسنه بسته به تعداد اعضا و توافق صورت‌گرفته، ممکن است چند ماهه یا چند ساله باشند و در بسیاری از موارد سال خمسی افرادی که سر سال دارند، در اثناء عمر صندوق واقع می‌شود. اگر عضوی پیش از فرارسیدن سال خمسی خود موفق به اخذ وام شد و آن را در مؤونه مصرف کرد، بابت وام و اقساطی که پرداخت کرده و می‌کند، خمسی به وی تعلق نمی‌گیرد. اما اگر صرف در مؤونه نشد و سرمایه‌گذاری یا پس‌انداز شد؛ خمس اقساطی که تا سر سال پرداخت کرده، واجب می‌شود و خمس اقساطی که در ماه‌های بعدی پرداخت می‌کند تا سال آینده خمسی واجب نیست.

اگر تا سررسید سال خمسی موفق به دریافت وام نشد، اقساطی که تا آن زمان پرداخت کرده است، حکم پس‌انداز را دارد و مشمول پرداخت خمس خواهد بود؛ اما اینکه پرداخت آن با سر رسید سال خمسی واجب است یا می‌تواند تا دریافت وام آن را به تعویق بیندازد، بستگی به دیدگاه فقیه دارد و لازم است هریک از اعضا به مرجع تقلید خود در این‌باره رجوع کند.

لازم به ذکر است برخی از فقها معتقدند اگر مکلف قصد تهیه مؤونه را داشته باشد و تنها راه تهیه آن، پس‌انداز تدریجی باشد، با فرارسیدن سال خمسی لازم نیست خمس آن مبلغ را پرداخت کند. بنابراین باید هریک از اعضا به مرجع تقلید خود در این زمینه رجوع کند.

۱۲. مسائل مترتب بر درگذشت یکی از اعضاء صندوق

اگر یکی از اعضای صندوق در اثناء فعالیت صندوق از دنیا برود، چنانچه وام را دریافت نکرده باشد، ورثه به اندازه اقساطی که مورِّث پرداخت کرده، طلبکار خواهند بود. در اینکه آیا ورثه باید صبر کنند تا نوبت وام آنها فرا برسد، یا اینکه می‌توانند آن را مطالبه کنند؛ بستگی به این دارد که آیا اعضاء صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی می‌توانند در طول دوره از عضویت انصراف دهند یا نه؟ که قبلاً راجع به آن بحث شد.

اما اگر عضو متوفی وام را دریافت کرده باشد، به محض از دنیا رفتن، تمامی بدهی وی حالّ می‌شود و درصورت داشتن اموال، ورثه یا وصی باید به تعداد اقساطی که باقی‌مانده، به صندوق برگردانند. منتهی اینکه به تمامی اعضا برگردانده می‌شود یا فقط در بین اعضائی که هنوز وام نگرفته‌اند تقسیم می‌شود، بستگی به تحلیل ماهیت اقساط پرداختی بعد از دریافت وام دارد. اگر گفته شود اقساط پرداختی توسط دریافت‌کنندگان وام در حقیقت ادای دین به کسی است که قرعه به نام وی درآمده، در این صورت اقساط باقی‌مانده بین اعضایی که وام نگرفته‌اند، توزیع می‌شود. اما اگر گفته شود بازپرداخت وام در صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی بدین‌گونه است فرد بعد از دریافت وام هر ماه که قسطی را پرداخت می‌کند، در حقیقت ادای دین به تمامی اعضاست؛ و به نسبت، از بدهی وی به تمامی اعضا کم می‌شود و سپس به وکالت از آنها به شخصی که قرعه به نام وی درآمده، پرداخت می‌شود. در این صورت اقساط باقی‌مانده بین تمامی اعضا تقسیم می‌شود. البته دریافت‌کنندگان وام موظف هستند مبلغ دریافتی را به اعضایی که وام نگرفته‌اند، پرداخت کنند. برای مثال اگر یک صندوق یازده نفره، با دوره زمانی یازده ماهه و اقساط یک میلیون تومان تشکیل شود و اولین نفری که وام دریافت کرده، بعد از ششمین قسط فوت کند؛ مبلغ معادل پنج قسط از ماترک میت (درصورتی‌که ارثی به‌جا گذاشته باشد) یک‌جا به صندوق پرداخت می‌شود؛ طبق احتمال اول، به هریک از اعضایی که وام نگرفته‌اند، یک میلیون تومان پرداخت می‌شود؛ و طبق احتمال دوم، به هریک از اعضا، پانصد هزار تومان پرداخت می‌شود. لکن اعضایی که وام گرفته‌اند باید آن را بین اعضایی که وام نگرفته‌اند، توزیع کنند.

نتیجه‌گیری

صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی روش جدیدی از قرض دادن و قرض گرفتن است که در دو دهه اخیر رواج زیادی پیدا کرده است. در این صندوق‌ها چند نفر معین با هم قرار می‌گذارند که در هر ماه هرکدام مبلغی را به یک نفر که مدیر صندوق است، تحویل دهند. او نیز مبلغ جمع‌آوری‌شده را به فردی که با قرعه مشخص می‌شود، پرداخت کند. این روند هر ماه تکرار می‌شود تا آخرین نفر وام خود را دریافت کند. البته نفر آخر در حقیقت تمام پولی را که در طول دوره به سایر اعضا قرض داده دریافت می‌کند. فرایند اعطای وام در این صندوق‌ها ربوی نیست و شبهه قرض به شرط قرض در آن صادق نیست. چون حتی اگر پرداخت هریک از اعضا مشروط به پرداخت دیگر اعضا باشد، قرض به شرط قرض صدق نمی‌کند؛ چون مبلغ جمع‌آوری‌شده به یک نفر پرداخت می‌شود و شرط پرداخت نسبت به او در واقع شرط بازپرداخت وام در اقساط مشخص است؛ و شرط پرداخت نسبت به بقیه نیز بی‌اثر است؛ چون قرضی به آنها داده نشده است. البته باید توجه شود در بعضی از صندوق‌ها مدیر با این شرط مدیریت صندوق را بر عهده می‌گیرد که وام اول را بدون قرعه‌کشی بردارد. این شرط می‌تواند قرض را ربوی کند؛ چون بقیه به این شرط به او قرض می‌دهند که مدیریت صندوق را بر عهده بگیرد. البته اگر قبول مدیریت صندوق به شرط قرض باشد، طبق دیدگاه فقهایی که اجاره به شرط قرض را صحیح می‌دانند، مشکلی نخواهد داشت. در صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی دو نکته حائز اهمیت است؛ اول آنکه این صندوق‌ها شخصیت حقوقی مستقل محسوب می‌شود؛ لذا افراد به صندوق قرض نمی‌دهند؛ بلکه پول جمع‌آوری‌شده مستقیم به قرض‌گیرنده (صاحب قرعه) پرداخت می‌شود. نکته دوم آنکه اعضایی که از ماه دوم به بعد قرعه به نامشان می‌افتد، تعداد اقساطی که پرداخت کرده‌اند، قرض محسوب نمی‌شود؛ بلکه بازپرداخت قرضی است که در ماه‌های گذشته داده‌اند و حکم پس‌انداز را دارد؛ لذا تعداد اقساطی را که قبل از سال خمسی پرداخت کرده‌اند، اگر از درآمد سال باشد، متعلق خمس خواهد بود.

منابع

ابن‌براج، ابوجعفر، ۱۴۱۱ق، ***جواهر الفقه***، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ابن‌فارس، احمدبن زکریا، ۱۴۰۴ق، ***معجم مقائیس اللغة***، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

ابن‌قیم، جوزیه، ۱۴۱۴ق، ***علام الموقعین عن رب العالمین***، قاهره، دار الحدیث.

اردبیلی، احمدبن محمد، ۱۴۰۳ق، ***مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان***، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

اصفهانی، محمدحسین، ۱۴۱۹ق، ***حاشیهٔ کتاب المکاسب***، قم، ذوی‌القربی.

امامی، سیدحسن، بی‌تا، ***حقوق مدنی***، تهران، اسلامیه.

انصاری، مرتضی، ۱۴۱۵ق ـ الف، ***القضاء و الشهادات***، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

ـــــ ، ۱۴۱۵ق ـ ب، ***کتاب المکاسب***، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

بحرانی، یوسف‌بن احمد، ۱۴۰۵ق، ***الحدائق الناضرة فی أحکام العترة الطاهرة***، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۴۲۴ق، ***اجوبة الاستفتاءات***، قم، دفتر معظم‌له.

حکیم، سیدمحسن، ۱۴۱۶ق، ***مستمسک العروة الوثقی***، قم، مؤسسهٔ دار التفسیر.

خوانساری، سیداحمد، ۱۴۰۵ق، ***جامع المدارک فی شرح مختصر النافع***، چ دوم، قم، اسماعیلیان.

دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، ***لغت‌نامه***، تهران، مؤسسهٔ لغت‌نامه دهخدا و دانشگاه تهران.

سبزواری، محمدباقر، بی‌تا، ***کفایة الأحکام***، اصفهان، مهدوی.

شهیدی تبریزی، میرزافتاح، ۱۳۷۵ق، ***هدایة الطالب إلی أسرار المکاسب***، تبریز، چاپخانه اطلاعات.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، چ پنجم، قم، جامعهٔ مدرسین.

طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، ۱۴۱۰ق، ***حاشیة المکاسب***، قم، اسماعیلیان.

طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۷ق، ***الخلاف***، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ـــــ ، ۱۳۹۰ق، ***الاستبصار فیما اختلف من الأخبار***، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

علوی، سیدمحمدتقی، ***موضوع‌شناسی صندوق‌های قرض الحسنه خانگی***، در: سایت موسسه موضوع‌شناسی احکام فقهی.

فاضل لنکرانی، محمد، ۱۴۲۴ق، ***تفصیل الشریعة فی شرح تحریرالوسیلة ـ الاجارة***، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، ***الکافی***، چ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، ***تفسیر نمونه***، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، بی‌تا، ***کتاب البیع***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس‌سره.

موسوی خوئی، سیدابوالقاسم، بی‌تا، ***المستند فی شرح العروة الوثقی***، تقریر مرتضی بروجردی، نرم‌افزار جامع فقه اهل‌بیت۲.

موسوی گلپایگانی، سیدمحمدرضا، ۱۴۱۳ق، ***إرشاد السائل***، چ دوم، بیروت، دارالصفوه.

میرزای قمی، ابوالقاسم‌بن محمدحسن، ۱۴۱۳ق، ***جامع الشتات فی أجوبة السؤالات***، تهران، کیهان.

نراقی، ملااحمد، ۱۴۱۷ق، ***عوائد الأیام فی بیان قواعد الأحکام***، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.